

موفقیت چیست و فرد موفق کیست؟



می دانیم که همه برای رسیدن به موفقیت به طور خستگی ناپذیر تلاش می کنند اما به آنچه که در آرزویش هستند دست نمی یابند آیا مسیر موفقیت را اشتباه انتخاب کرده اند؟ هدف و مقصود مشخص و روشنی نداشته اند؟ به توانایی ها و امکانات خود بی توجه بوده اند؟ آیا در نیمه راه پی برده اند که هدف مورد نظر در رسیدن به موفقیت سعادت بی دنبال نخواهد داشت؟ سایت آسمونی در این مقاله مطالب بسیار مفید و کاربردی در مورد موفقیت عنوان می کند که در ادامه می خوانید

موفقیت همراه با حیثیت طلبی به عصبیت ، ناکامی ، محرومیت و ناخشنودی می انجامد.

موفقیت چیست ؟

چرا همواره از انسانهای خوشبخت می پرسند: راز موفقیت شما چیست؟

هیچ کس جز خود فرد نمی داند که چقدر موفق است چون موفقیت یک حس درونی است که تا فرد باور نداشته باشد کسی نمی تواند بگوید که او فرد موفقی است. پس به حرف دیگران بی

اهمیت باشید و سعی کنید که به نظر اطرافیان نسبت به خود فقط لبخند بزنید. ببینید کسانی که درباره شما قضاوت می کنند خودشان چگونه هستند و در کجای راه قرار گرفته اند. در مسیر

موفقیت فراز و نشیب ها و چالش های بسیاری است اما باید به آنها بی توجه باشید تا به آنچه می خواهید برسید. یکی از ویژگی های موفقیت داشتن هدف است، با یافتن راههای درست می توان به موفقیت دست پیدا کرد.

بعضی از صاحب نظران موفقیت را مثلثی طلایی می دانند که سه ضلع آن عبارتند از:

۱. نظم و آرامش

۲. برنامه ریزی و دقت

۳. سرعت عمل و زمان شناسی

در حقیقت هر انسانی ناخدای کشتی زندگی خود است و زمانی موفق خواهد بود که خوب فکر کند، تعیین هدف کند، خوب حرکت کند و با تغییرات سازگار شود، خوب برنامه ریزی و عمل کند.

<> بیشتر مردم به همان اندازه خوشبخت هستند که خود می خواهند <>

تعریف موفقیت چیست ؟

موفقیت یعنی پیشبرد تمام فاکتورهای انسان

(سلامتی، معنویت، ثروت، آرامش، عشق و خدمت به دیگران)

انسان دارای ابعاد مختلفی است که برای رسیدن به موفقیت باید تمام فاکتورهای خود را پیشرفت دهد یک فرد تنها با پرورش یک بعد وجودی خود موفق محسوب نمی شود بلکه باید تمام

زوایای وجودش را پرورش دهد تا به هدف نهایی خود در زندگی برسد

انسان باید دارای باورهای مثبت باشد و همیشه خود را فردی ببیند که آرزو دارد باشد. افکار منفی فرد را از رسیدن به خواسته ها و اهدافش دور می کند. این افکار از کودکی درون ذهنمان لانه کرده و ما را به سمتی پیش می برد که نمی خواهیم.

وقتی باور انسان به موفقیت مثبت باشد، انسان از مواهب زیر برخوردار می شود:

نوع نگاهش به زندگی مثبت می شود.

حرکت، فعالیت و تلاش خود را با برنامه ریزی همراه می کند

با شکست های جزئی در سر راهش ناامید نمی شود

همواره برای رسیدن به موفقیت و پیروزی بیشتر فعالیت می کند

یک شخصیت موفق از ۷ جزء تشکیل شده :

۱. موقعیت شناسی

لازم است بدانید کار انسان شبیه کار دوچرخه است. تعادل دوچرخه تا زمانی حفظ می شود که در یک جهتی حرکت کند. اشکال برخی انسانها این است که می خواهند بدون حرکت و بدون مقصد تعادل خویش را حفظ کنند و برای همین است که احساس تزلزل می کنند

باید برای خودتان هدف با ارزشی تعیین کنید و مهم تر از آن طرحی برای دستیابی به آن هدف بریزید. ببینید به دنبال چه می گردید. به آینده فکر کنید و از گذشته دست بردارید اینطوری جوان و شاداب می مانید. بی هدف حتی جسم هم وظایف خودش را درست انجام نمی دهد وقتی هدف ندارید در واقع زندگی نمی کنید شما بجز هدفهای شخصی به اهداف غیر شخصی هم نیاز دارید مثل کمک کردن به دیگران

۲. تفاهم

اغلب ناکامیهای ما در روابط انسانی حاصل سوء تفاهمات است و برای برخورد موثر با مسائل باید از ماهیت واقعی آن اطلاع داشت. ما با توجه به مجموعه ای از واقعیات یا شرایط انتظار داریم که دیگران هم مثل ما واکنش یا حساسیت نشان دهند ولی فراموش نکنید که هر انسانی با توجه به تصاویر ذهنی خودش نسبت به مسائل واکنش نشان می دهد. اغلب اوقات واکنش یک فرد نسبت به شما بخاطر اذیت و آزار و بدخواهی نیست بلکه به این دلیل است که آن فرد وضعیت را جور دیگری درک می کند اگر اینگونه به افراد و واکنش آنها نگاه کنید سطح تفاهم در روابط شما بالا خواهد رفت

ما تا حقیقت را درک نکنیم نمی توانیم واکنش مناسبی نشان دهیم باید بتوانیم حقیقت را ببینیم و آنرا چه خوب چه بد قبول کنیم. بسیاری از ما این اشتباه فاحش را انجام می دهیم که تقصیرات و

اشکالات خود را نمی پذیریم حتی قبول نمی کنیم که جانب اشتباه را گرفته ایم قبول نمی کنیم که شرایط به غیر از آن چیزی است که ما دوست داریم و خود را فریب می دهیم و چون حقیقت را نمی شناسیم نمی توانیم حرکت مناسبی انجام دهیم

۳. شجاعت

داشتن هدف و درک شرایط کافی نیست، شجاعت عمل لازم است. تنها با عمل کردن می توان اهداف، امیال و باورها را به حقیقت تبدیل کرد. اصولاً در این دنیا چیز ۱۰۰٪ مطمئن وجود ندارد. تفاوت میان آدم موفق و غیر موفق در زمینه نقطه نظر ها و تواناییها نیست مسئله شهامتی است که انسان موفق روی نقطه نظرهای خودش نشان می دهد خطرات حساب شده را می پذیرد و دست به عمل می زند

بی تحرکی و دست روی دست گذاشتن انسان را در مواجهه با مسائل عصبی و ناتوان می کند اگر آنقدر صبر کنیم و دست روی دست بگذاریم تا از نتیجه کاری مطمئن شویم هرگز قدمی برنخواهیم داشت. هر کاری که بکنید احتمال اشتباه در آن هست

۴. خیرخواهی

شخصیت های موفق به سایرین هم اهمیت می دهند و برای هم نوعانشان احترام قائل می شوند با دیگران همانطور که زیبنده انسانهاست رفتار می کنند. وقتی نسبت به سایرین احساس خیرخواهی بیشتری می کنیم بدون استثنا نسبت به خودمان هم خیرخواه تر می شویم یکی از بهترین شیوه های مبارزه با احساس گناه و تقصیر این است که گناه را به گردن سایرین نیندازید. کسی که شخصیت موفق دارد نسبت به سایرین احساس خیرخواهی می کند مردم البته که مهم هستند و نمی توانید با آنها مانند اشیاء بی جان روبرو شوید اما برای اینکه بتوانید خیرخواهی را در خودتان افزایش دهید ۳ کار می توانید انجام دهید

- سعی کنید با درک حقیقت درباره مردم ارج و قرب آنها را نزد خود بالا ببرید و فراموش نکنید که مردم بنده خداوند هستند

- به خودتان فرصت دهید کمی درباره احساسات، نقطه نظر ها، امیال و نیازهای سایرین فکر کنید

- مردم را مهم بدانید و با این روحیه با آنان برخورد کنید. بدانید رفتاری که نشان می دهید با احساس شما رابطه مستقیم دارد

۵. مناعت

از میان تمامی پستی و بلندیهایی که در زندگی وجود دارد نداشتن مناعت نفس کشنده تر از همه و غلبه بر آن از هر کاری دشوارتر است. علتش این است که چاله را به دست خودمان کنده ایم. قبول کرده ایم که "فایده ای ندارد"، "این کار از دست من ساخته نیست". خیلی ساده باید در ذهن خود فرو کنیم که دست کم گرفتن خویش، فروتنی و شکسته نفسی نیست، عیب و گناه است. شخصی که به اندازه کافی مناعت نفس دارد نسبت به دیگران احساس دشمنی نمی کند. به زور در صدد اثبات چیزی بر نمی آید. حقایق را واضح تر می بیند

حالا سوال این است که برای بهبود مناعت خود چه کنیم؟ تصویر ذهنی انسانهای شکست خورده و بی ارزش را فراموش کنید - مفهوم کلمه مناعت این است که قدر و ارزش خود را می دانید - و قدر ارزشهای خود را دانستن خودبینی نیست مگر اینکه گمان کنید که خودتان آفریدگار خویش هستید. بزرگترین راز کسب مناعت این است که از مردم قدردانی بیشتری بکنید. برای فرد فرد مردم احترام قائل شوید زیرا همه انسانها بندگان خداوند هستند بنابراین موجود باارزشی به شمار می روند و عجیب آنکه مناعت خود شما با این روحیه بالا می رود.

۶. اعتماد به نفس

اعتماد به نفس با تجربه کردن موفقیت ایجاد می شود وقتی کاری را برای نخستین بار شروع می کنیم از نتیجه اش آنقدرها اطلاعی نداریم علتش این است که موفقیت را تجربه نکرده ایم و باید بدانید که موفقیت تولید موفقیت می کند و حتی یک موفقیت کوچک قدمی برای موارد بعدی است و شما هم می توانید از این روش ساده برای کسب اعتماد به نفس استفاده کنید.

روش دیگر ایجاد عادت یادآوری موفقیتها و فراموش کردن ناکامی های گذشته است در حالیکه بسیاری از افراد موفقیتهای گذشته را فراموش می کنند و شکستها را در خاطر نگه می دارند و در نتیجه اعتماد به نفس را از بین می برند.

اما راه حل چیست؟ برای پیروز شدن از اشتباهات پند بگیرید و بعد اشتباه را از ذهن بیرون کنید موفقیتهای گذشته را بخاطر آورید و آنها را برای خودتان تصویر کنید هر کس بالاخره برای یکبار هم که شده موفقیت را تجربه کرده است.

۷. خود پذیری

تا انسان خود را نشناسد به خوشبختی واقعی نمی رسد. مفلوک ترین انسانها آنهایی هستند که همه سعی شان بر این است که خود و دیگران را به قبول چیزی جز آنچه که هستند مجاب کنند. بی جهت خودتان را جز آنچه هستید نشان ندهید. همین هستید که هستید.

اغلب ما بهتر ، قوی تر و شایسته تر از آن هستیم که می پنداریم. با ایجاد تصویر ذهنی بهتر ، توانایی ، استعداد و قدرت جدیدی در خودتان ایجاد نمی کنید شما همه اینها را دارید و در واقع فقط آنها را مورد استفاده قرار می دهید.

خودتان را آنطور که هستید قبول کنید با تمام تقصیرها ، نقاط ضعف ، نواقص و نقاط قوت شروع حرکت شما باید از اینجا باشد. نواقص خویش را تحمل کنید. اطلاع از کمبود ها لازم است ولی خودتان را بخاطر این کمبود ها تکفیر نکنید.

میان خویش و رفتارتان فرق بگذارید. چه غم که کامل نیستید خودتان را ناراحت نکنید خیلی چیزها دارید و همه مثل شما هستند هر کدام که جز این تظاهر می کنند خودشان را گول می زنند.



همیشه خوتان باشید، خودتان را بروز دهید، به خودتان ایمان داشته باشید، هیچ وقت به دنبال موفقیت در دیگری نباشید

واحد مشاوره